



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل کلیه قوانین، مصوبات و مقررات - گزارش کابینه و نهادهای - صورت مشروح مذاکرات مجلس - اخبار مجلس - انتصابات - آگهی های رسمی و قانونی

شماره ۲۹۶۷ ۳ شنبه ۲۹ فروردین ماه ۱۳۳۳ سال یازدهم

شماره مسلسل ۱۰۶
دوره هجدهم مجلس شورای ملی

مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۱۰۶
صورت مشروح مذاکرات مجلس روز ۳ شنبه
بیست و دوم فروردین ۱۳۳۴

فهرست مطالب:

- ۱) تصویب صورت مجلس
- ۲) بیانات قبل از دستور - آقایان: امامی - خلعت بری - حائری زاده (ضمناً از ماده ۱۸۷ - استفاده نمودند) - وزیر کشور - وزیر دارائی
- ۳) طرح برنامه دولت آقای ملامعتمدت وزیر
- ۴) تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه (مجلس در ساعت بیست و پنج دقیقه قبل از ظهر برپاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید)

۱- تصویب صورت مجلس

رئیس - صورت غائبین جلسه قبل قرائت میشود
غائبین (بشرح زیر قرائت شد)
غائبین با اجازه آقایان: نقابت
دکتر شامکار - امیدسالار - کاشانیان
موسوی - عدینی نوری - استخر - صادق بوشهری
غائبین بی اجازه - آقایان: سرمد - بیات ما کو - بیراسته - عبدالعجید بختیار
غزیه - علم - جلیلووند - مکرم - احمد صفائی - شادلو - میراشرافی - بوربور
بهادری - بزرگ ابراهیمی - فراگزلو
سیدی - امیر احتشامی - سلطانی
شا کباز - کریمی - کدبورو - پناهی
نقّه الاسلامی
دیر آمدگان و زود رفتگان با اجازه
آقایان: اخوان ۱۵ دقیقه - امیر تیمور

۱۵ دقیقه - مهدوی ۳۰ دقیقه
رئیس - آقای شوشتری نسبت به صورت مجلس نظری دارد؟
شوشتری - بله
رئیس - بفرمائید
شوشتری - در ضمن صورت مجلس قید شده است وقتیکه بنده مطالبی قبل از دستور عرض می کردم دو جمله بطور توهین آمیز نسبت بمن از رفقای معترزم تکذیب شده در صورتیکه هیچوقت بدون مستند دلیل عرضی نکرده و کتاب دوره شانزدهم را آورده ام و طبق ماده ۸۷ هم میتوانست استفاده کنم ولی چون در برنامه دولت مذاکره می کنیم با اجازه آقایان و مقام معترم ریاست توضیح این مطلب را در برنامه خواهم داد (احسن)
رئیس - نسبت به صورت مجلس نظر دیگری نیست؟ (اظهاری نشد) صورت مجلس

تصویب شد.
(۴) بیانات قبل از دستور - آقایان: امامی - خلعت بری - حائری زاده (ضمناً از ماده ۱۸۷ استفاده نمودند) - وزیر کشور و وزیر دارائی
رئیس - سه نفر از آقایان تقاضای نطق قبل از دستور کردند - آقای نورالدین امامی بفرمائید
نورالدین امامی - در سال نو برای اولین مرتبه کیشک تریبون می آیم امیدوارم سال نو برای ملت ایران و تمام مسلمانهای دنیا سال خیر برکت و شادمانی باشد (انشاءالله) جناب آقای انتظام حضرت مولای متقیان در وصیت خودش چنین فرموده است: اگر من از این دنیا غایب شوم خودم میدانم که با ضاربم و اگر شهید شدم اگر میخوانید ضارب مرا ببخشید و اگر نتوانستید بمن یک ضربه زده شما هم با یوک ضربه بزیند شمشیر را بر نهانید بجهان مسلمانها بقتید این را امیر المؤمنین گفت - آقا اصلاح مملکت با رفتن زید و آمدن عمرو نیست بروید سرچشمه را ببندید میخوانیم یک وقتی وزارتخانه ها را اصلاح کنیم آقایان وزراء این را بدانید آنگاه که حقیقه دزدند آنها با نشان قوی است اگر کارد با سخنانشان برسد کاری میکنند که ۵۰ نفر را از ادارات بیرون بکنند که چهل نفرش باک و امین باشند آن دهنفر دزد در بین آن چهل نفر بر میخورند آن باک ها حامی دارند فردا آقا بنده زینبوعرو میگویند این نصیر ندارد آنها که بر کشتند این دزدها جلوتر از آنها می آیند با آن دسته رفته اند با این دسته می آیند آقا سرورز مطالعه و یک دقیقه کار مطالعه نداریم ما پنج روز کار می کنیم یک دقیقه مطالعه نمیکنیم من نبودم امروز که

بنده وزیر شدم پشت میز میروم از کجا باید بگیریم از اول باه بسم الله الرحمن الرحیم از کجا بگیرم تمام گرفتارها بر اثر این نقل و انتقالات است
مستغدی که مطمئن نیست امروز پشت میز هست و فردا نیست این تا بیک جانی رسید می خواهد برود حبیب را را کند و در برود او که نمیداند فردا صبح پشت میز هست یا نیست اولین شرط اصلاح و درستی مستخدم اعتماد و اطمینان مستخدم بصدای است بنده بکروز در وزارت دادگستری گفتم آقا وزیر دادگستری خوب باید ناظر شدید خوب باشد دزدرا بگیرد مستخدم بدادگستری را فوری بگیرد بدهد بدستگاهی که باید مجازات کند آنهم فوری رسیدگی کند و مجازات کند وزیر خوب یعنی که مطالعه کند و بعد کار کند بمن تلفن می کردند دیشب حسن رفته حسین آمده است من نمی دانم چرا حسن رفته است چرا حسین آمده است برای چه؟ اگر بد است چرا محاکمه اش نمی کنید چرا داری نمی زند؟ چرا ب مردم اعلام نمی کنید که آقا این شخص اینکار را کرده است؟ بگیرد بدهد اول محاکمه اش کنند بعد بنده مجازات کنند بنده نمیدانم در کدام کابینه بود که جناب آقای دکتر انبیل وزیر راه بود بهش گفتم آقای وزیر راه ما دیوان کبیر حبس تبعید از این مجازات ها داریم چیزی از شما نمی خواهیم غیر از این که بدکارها را مجازات کنید ممکن است سن آقایان اجازه نمده برای اولین مرتبه که در تهران اسفالت شروع شد جلو شهرداری و میدان سه را اسفالت کردند این اسفالت نکن نفخورد تا چند سال پیش از این که آن برف کذائی آمد یک شهردار آزاد بخوان خوب هم داشتیم اینقدر صبر کرد صبر کرد تا

برده اند و بعد پس گرفته اند. حالا آنرا باید تطبیق بکنم وقتی که استاد آن پیدا شد آنوقت من استیضاح خواهم کرد و تسلیم معنکه میکنم (وزیر دارائی - من خودم تعقیب میکنم) هنوز من تعقیب نگردم؛ ملی های حال در امر یکبارگی چنین قضیه ای اتفاق افتاده و هنوز مدارک تمام نشده است که بنده عرض بکنم (اکبر -) لنگرودی است و دکتر است (نیست) بهر صورت ملی امینی چه فرقی میکند؟ بولی بحساب ملی امینی آنها رفته بدو هم پس گرفته اند و بحساب دیگری باید میرفت ، خوب از این اشتباهات گاهی یک حقایق معلوم بعد از قرارداد نفت روشن میشود ما در مملکتی هستیم که در بدیم بعد از اقرار داد ۱۹۱۹ یک مملاتی کردند حق السهم بود یا نه میدانم، حالا در قضیه نفت من ممکن است یک چنین حساباتی باشد هنوز روشن نیست بخت من و چون درست روشن نیست دروش بخت نمی کنم و وقتی روشن شد در اطرافش صحبت میکنم (یک از نماینده -) گان - لابد شرکائی هم دارند (البته صفائی - دیر حال همه اش را که فرمودید دیگر چیزی باقی نماند) یک موضوع دیگر که جناب دکتر امینی خیلی تخصص دارند در معامله و خلط موضوع و تعصبات ایشان المصلحت در این وقت خیلی خوب بود در بیاناتی که میفرمایند میگویند آقای حائری زاده همی در سیاست بردانده و بنده خودم وقتی شاگرد مدرسه بودم در هسین از تاشاچان ناظر بودم عملیات ایشان را که در اقلیت بودند و با سردارسیه که در آنوقت وزیر جنگ بودند مخالف شدید میکردند و بنده اینطور استنتاج کردم که مخالفت ایشان آنروز هم اصولی نبوده برای اینکه اعیاض مرت فقیه یکسری بودند مصلح و کاربر و استقامت کردند و کارهای مثبتی برای مملکت انجام دادند (صحیح است) این بیاناتی بوده است که ایشان فرموده اند چون در فرمایشات ایشان من گفته ام و حالا هم لابد در حضورشان تکرار کنم زنده گانی اشخاص من یکسری درهای زشت و زبانی دارد، هیچکس معصوم نیست و هیچکس لایق نیست که در تمام جهات عاری از خطا و خدشه و عیب باشد من حیث الجموع را در نظر میگیرم و تفاوتها میکنند، سردارسیه آنروز که آمد کرد تا کرد و روزی جنگ شد و بعد رئیس الوزرا شد تماش معصوم نبود، خیلی کارها کرد در قسمت های خوبش موافق بود و قسمت های بدش هم مخالف بودم منجمله ازوقایمی که پیش آمد علی بود که نسبت باقیون اساسی خواستند بکنند ، من متقدم این قانون اساسی سندی است که باید همه ما معمم نگاهداریم، هر کدام یک فصلی در این قانون اساسی بنفتمان هست برای ازارع سکار کرد وکیل وزیر هست، شاهست، کدا هست، تمام ما ها باید نگاهداریم لطف و خدشهای در این قانون وارد شود. بعضی

از اصول مع التأسف این جهل پنجاه سال اجرا نشده همین جور میل شده و برای بهر جهت گذشته، اگر قانون اساسی را خواستند تغییر بدهند مملکت مردها نیست که کسی چیزی ننگوید. آنروز میخواستند بعضی از اصول را تغییر بدهند که جمله ای بعینت مملکت نبود، حقانی بود که از نماینده فارغسل میشد و نمایندهای بودی داد میباشند این موضوع بود که چندان مهم نبود بولی باب دخالت در قانون اساسی را مفتوح شدن من مخالف بودم و مخالفت کردم تا در صورت خودش و از مجلس مؤسسان عملی شد. آنروز که آقای میفرمایند شاگرد مدرسه بودند خیلی از حرفهای من خوششان آمد و جزو کف زنها بودند ، والد ایشان بقول مرحوم مدرس کسی بود که خیلی مقاومت میکرد و پیش من خیلی معترم است ولی الله و همتره که از نماینده خودش دفاع میکرد ، ولی آقا زاده ایشان با کسی که برای منافع فامیلی ایشان جنگ میکرد جنگ دارنده و این دفاع را حربه میکنند ، نماینده امین را چه باید بکنیم جز سفسطه کردن چیز دیگری نمیشود اسم این عمل را گذاشت ، یک فرمایش دیگر کردند راجع بار بار این امرنامه آتش بجان من پیفت ، این را من بدست ایشان دادم و یک وقتی که من در گوشه آنروز بودم فکر کردم که اگر یک دولتی یک روزی سر کار آمد که بنده هم شرکت درش باشم و بازرگانی بنده تشکیل شود بدینست سرفروخت معامله ای بشود که یک برنامه ای برای آن کار آن دولت تنظیم شود و بنده این برنامه را تنظیم کردم و برای عده ای از رفقا فرستادم ، ایشان هم تشریف آوردند الهیه ، یک روزی آنجا نشسته بودند با ما صحبت میکردم در دل میگردیم گفتند که شنیدم شما برنامه ای تهیه کرده اید عرض کردم بله هنوز چیزی هست ، یک نسخه هم خدمت آقای حائری زاده تقدیم کردم ایشان این برنامه را شرح و تمهیل کردند و بعد هم گفتند بنام خودشان که تشکیل نمیدادند میفرمایند بحسب نتیجه همان میگردند و گرفتار بدین میگردیم بودم شما در بیام درس برنامه نوشتن را از جناب دکتر امینی یاد بگیرم ، البته من عشق دارم حالا عاشقم که در مملکت باید صفت و جزوی تشکیل شود ، حکومت اشخاص باید از بین برود ، از اشخاص باید معصوم شود باید صفتی از این وضع بدیختی و فلاکت و بیچارگی نجاش بدهند ، این عقیده من بوده و هست که گرام هم می گردم که یک جمعیتی کرده ام جمع شویم متأسفانه هر بار خارجی ها با این موضوع نگذاشتند یک عده صالحی کرده ام جمع شوند یک عده ای هم که جمع شدند بالاتر

صیدشان کردند با بدست غارتگرهای داخلی صید شده اند و با بدست سیاستهای خارجی صید شده اند . من چون عاشق حزب بودم و هنوز هم هستم و هنوز هم با حال شکستگی و کمال خشکی مایوس نیستم و متقدم که اولش از همین مجلس شروع کنیم اگر یک دسته ای حزبی در مجلس بسازیم بدینست نظر باشم بتوانیم در خارج یک حزب معجز سیاسی حسابی درست کنیم که آلت و مله به سیاستهای خارجی نشود وقتی شنیدم این آقای المونی که جزو ۵۱ نفر بودند ، رفیق من هم هست بسیار مرد خوبی هم هست و جمعی دیگر که تعقله تماش بودند دارند یک فکری میکنند من نخرسند شدم . این عقیده ای که حالا در باره دکتر امینی نوشته ام است بنده اگر در بدینست نداشتیم و دکتر امینی را میگفتم حالا به پدرش بیقرروس را بالای شانهاش لشت نشاه بالا برده کاری ندارم خودش مدرسه رفته جوان است تحصیل کرده است ، برای مملکت مسکن است و حوض مؤثر باشد و معین باشد عقیده داشتم حتی ارستجانی یک روز آمده بود منزل من صحبت این بود که آقا دکتر مصدق فرار است ایشان را به وزارت دعوت کنند گفت که بین وزارت دارائی و اقتصاد حرف است ما با هم صحبت میکنیم ایشان گفت که اگر میخواند آقای دکتر وزیر باشی آقای دکتر مصدق وزیر لازم ندارد تو کرلاز دارد ، من با ایشان صحبتی و جدی بودم و متقدم بودم که بدست دکتر امینی میشود کارهایی انجام داد ولی هفت هشتاد و پنج یکسری برده ام ، برداشته شد و من روشن شدم و فهمیدم که من اشتباه کرده بودم و برای رسیدن به مقام معجز چیز تمام چیز نیست وطن ، ملت ، قایل ، دیانت ، اینجور چیزها در طول امر یعنی هاجمیت ندارد ، معنی ندارد این جور که ما را بداند انان تربیت کرده اند بعضی ها را بداند انان تربیت نکرده اند برای رسیدن به رف و مقصودشان هر جور پیش باید باشد خارجی باشد داخلی باشد خدمت باشد خیانت باشد هر رنگی، پیش بیاید اشکالی ندارد و اینست که عقیده من که پیش خودم نسبت با ایشان داشتم تعقله تماش شد، ولی در مورد این جمله از فرمایشات ایشان باید بگویم که لازم نیست من درس حزب سازی و برنامه نویسی را از جناب دکتر امینی یاد بگیرم باز از فرمایشات ایشان است بنده در ضمن میخواهم جاسارت کنم و تمام گذشته سیاسی ایشان را عرض کنم که ایشان اساساً با کسی نیسازند دلیل و مدرک هم لازم نیست برای اینکه برخلاف اینکه می فرمایند آزاد میخواهم میباشد بنده دیکتاتور بدست شما معنی هست دیکتاتور این نیست که بیاید در مملکت دیکتاتوری کند یک فردی هم ممکن است در تمام احوال و رفتار خودش دیکتاتور باشد من این را برای نسل آتی این بیان را خیلی

شود ، گفتم موقع ۲۸ مرداد که آمدیم ، هنوز در ضمن درست معلوم نبود ، یک میلیون دلاری از یک مقامی برای منارنجی که ما نمیتوانیم اسمی برایش قائل شویم اختیار من گذاشتند (یکی از نماینده گان - عقده) ۵ میلیون دلار تحت اختیار من گذاشتند و من فکر کردم که من را با اختیار شخص خودم خرج کنم یا بگذارم بحساب مملکت بدم که صلاح است این را بگذارم بحساب مملکت به که بدست مندل دستگام چنانکای چک شد بولی از امر یکبارگی کردند بچیز زدند من این بول را گذاشتم بحساب خزانه ، ایشان این مطلب را جزو حرفها و صحبتها گفته اند اخیراً من شنیدم که آن نماینده ای که از اینجا رفته سورتی داده است که بولهائی که بعنوان کمک لاهه و وفلان داده شده ، اینها چمبلی هست و آن میلیون که ایشان میگفته اند ، در آن صورت نبوده است ، ایشان از خزانه خواستند که علاوه بر اینها یک میلیون هم بوده این را من شنیدم لابد آقایانی که در هیأت دولت سابق بودند و حالا هم حضور دارند بهتر از بنده اطلاع دارند من اطلاع از موضوع ندارم .

وزیر دارائی - توضیح عرض می کنم .

حائری زاده - من هینتصر می دانم که از کسبه خلیفه یک سرچهای عجیب و فریبی می شود که من منبع یکی از این کسبه های خلیفه را گفتم پیدا کردم . یکی پول صدی بک فروش سبکبار است و دیگری در این مباحث فروخته می شود صدی بک با اختیار مقامات عالی است یکی میخورد ، این پنج هزار تومان نمیدهند قوری میخورد ، می کنند می خواهند صد هزار دلار اسما را بکسی بدهند قوری رحمت می کنند این بول در سال از یک میلیون بیشتر است . ممکن است نزدیک دو میلیون بشود از صدی بک فروش همین بولهای مجرمانه داده می شود ممکن است آن یک میلیون دلار هم از یک چنین مجلی باشد که رفته باشد بحساب جناب دکتر امینی واقتیاش شده باشد این هنوز مدارکش جمع آوری نشده و من در این موضوع باغور و تفحص صحبت نمیکنم از این بولهای مجرمانه و از این خرجهائی که گاهی می شود کسی تکلف بولی که آمد چه حسابی رفته طرز دزدی طرز بردن بول انواع و اقسام دارد من یک پیشکار مالیه در نظرم هست در اوائل ذکالت امریکائی ها در امر حسابهای بنده روشن است فرمایند برسید به بنیدم مگر خرجهائی بدون نمید خود بدون بون بگویم بتوانم بکنم بپردازد و بنده هم یک چنین اسنادی را میتوانم امضاء کنم ، این فرمایشات ایشان است این جمله معترضه را هم بنده عرض کنم روزی در قیصریه دفتر بودم خدمت جناب سیهه زاده ، ایشان یک اسنادی برای من گفتند ، نمی دانم راضی است که من بگویم در این مجلس پاراضی نیست ولی مصلحت هست که گفته

رئیس - در قسمت برنامه هم که اسم نوشته اید می توانید در آن موقع استفاده کنید .

حائری زاده - اگر آقایان اجازه بدهند یک ربع دیگر وقت می خواهم .

رئیس - ولی اگر بخواهید آن را اعاده بدهید دیگر نشود بیساعت تقریباً بآن ماده ۸۷ مصرف شد دیگر آن را اعاده نمیدم .

حائری زاده - حالا اگر آقایان اجازه بدهند من حرف میزنم .

رئیس - عرض کردم حالا رای میکنیم آقایانی که موافقت آقای حائری زاده صحبتشان را بکریج دیگر ادامه بدهند قیام بفرمایند (اکثر آرا داشتند) تصویب شد بفرمایند .

حائری زاده - خیلی متشکرم از آقایان که کین کمک کردند این پیشکار دارائی موقعی که بول گرفته بود از تحصیلدارها قیض را درست داده بود دست آنها ۱۰ هزار تومان تحصیلاری پول آورده بودی آتهم ۱۰ هزار تومان رسیده بود بولی در تهج دفتر ۵ هزار تومان بیشتر وارد نشده بود در نتیجه مالیات محل ۲۰۰ هزار تومان بود صدهزار تومان را بچیب زده بودند برای تفاوتی که وجوه در دفتر ثبت شده با حقیقت آن بولی که گرفته شده بود بعد این موضوع کشف شد که آن رئیس حسابداری و جناب پیشکار دارائی با هم سازش کرده بودند و این بول را بچیب زده بودند از متن مالیات قبض صادر شده تومان داده شدند بولی در صندوق ته و تاد و دانت و تمام اینها پنج هزار تومان وارد شده بود . دزدی انواع و اقسام دارد ، البته حسابها وارد خزانه میشود ولی ما باید به بینیم چه میشود حکومت صدق ۸ ماهه دوام کرد ، یکمشت ذخارتی بود اینها را خرج کرد یک مشت اسناد خزانه اسناد قرصه ملی اینها را خرج کرد ولی اینها باشد بحساب جناب دکتر امینی واقتیاش شده باشد این هنوز مدارکش جمع آوری نشده و من در این موضوع باغور و تفحص صحبت نمیکنم از این بولهای مجرمانه و از این خرجهائی که گاهی می شود کسی تکلف بولی که آمد چه حسابی رفته طرز دزدی طرز بردن بول انواع و اقسام دارد من یک پیشکار مالیه در نظرم هست در اوائل ذکالت امریکائی ها در امر مالیه که قبض وسند صحیح و این حرفها زدند جزو مجرمانه را در هر بولگی معین کرده بودند که اینجا ۱۰ هزار تومان بود ۲۰ هزار تومان بود ۳۰ هزار تومان بود .

رئیس - آقای حائری زاده بیساعت وقت آتمام شد .

حائری زاده - من عرض زیادی دارم .

متمنایه میشود و این باسفاطند ساله می فروشد بین گفتن موقعی که مملکت بی پول است چندین میلیون بول صدهزار تن شکر می شود که بدست مردم باید این تنگی شکر و دیگر میندی هم از پیشمیرده هر گز هر چیز خواست بهش بدهند دولت حقوقی که راجع به قندو شکر دارد از کمرک و عوارض و هر چه دارد بگیرد و بچش می رسد مردم از فشار تنگی شکر نجات پیدا میکنند و بکرواجی در بازار ایران پیدا میشود و تا دوسه سال این بول در دست تجار میماند ، بولی که در بازار ایران صدی بیست و چهار تا صدی سی و چهار آتهم صدی نه بود در حساب کنیم یک میلیون هم بیشتر تفاوتش میشود و چون ایشان بول داشته اند کمتر بدهند تا اینجا اگر یک سودی نباشد اگر یک دلالی و حق العملی در این کار نباشد هیچ منطقی من برای این کار نمی توانم فرض کنم که جناب دکتر امینی باصحت عمل خواسته اند این عدرا انجام بدهند و من خیال می کنم که در آن یک میلیون دلاری که سید زاهدی میگفت مجرمانه بین داده اند و من بحساب خزانه گذاشتم آنجا هم خیلی کشت یعنی یک میلیون دلارش که نباشد ۱۰ هزار دلارش بکنیم لابد یکمستقاری بوده که بحساب نگذاشته اند حالا من بیشتر نمیتوانم توضیح بدهم .

رئیس - آقای وزیر حضور می خواهند راجع باتوبوس رانی توضیح بدهند بفرمایند .

وزیر کشور (اسدالله) - بنده خیلی متفکریم که در جلسه اولی که هیئت دولت مجلس آمده فرست پیدا کردم که بعضی عرض صاحب مهندس مجلس شورای ملی بیرامه متصادف جناب آقای ارسلان خلعتیری راجع به معساله اتوبوس رانی فرمایشاتی فرمودند و بنده امروز صبح خیلی زود رفته بودم که باین مسأله برسی یکی کنم و اتفاقاً چند روز قبل هم بعضی همکاران رسانده بودم که این مسأله اتوبوس رانی باعث شکایت و ناراحتی مردم است اصحیح است (مهندس اردبیلی - و بفرنج) بنده گمان نمیکنم خیلی بفرنج باشند و مسأله هست من باب توضیح عرض میکنم امیدوارم که دولت مسلماً توفیق پیدا کند که این مسأله را حل کند (عده ای از نماینده گان - اشاعانه) عرض کنم مسأله مشکل اتوبوس یکی اینست که خطوط است این را از آقای خلعتیری فرمودند اتفاقاً امروز صبح هم بنده توجه پیدا کردم دولت دارد یکی اینکه نقشه بهم خورده یکی اینکه تهران کماست (یکی از نماینده گان - جمعیت تهران هم زیاد شده است) بنده در خصوص نقشه بعد از چند سال با فرغ صدی ۵ (وزیر دارائی -) یکی بدون فرغ ۲ در موقع طرح لایحه فرضه می آمدند اینجا پشت تریبون میبگفتند صلاح است که این بول بیاید در ایران حالا از انونه می گویند در صورتیکه همان

میکنند و خوب را هم تشخیص میدهند لازم نیست که شمارا جمع بیند بفرماید مردم اهل تفاوت هم هستند تشخیص هم میدهند اگر برای مردم ایران بفرماید برای ملت ایران باید احترامات زیادی قائل شد مسلماً نویس غرضی که اینجا هستند اعم از روزنامه نویس و غیره روزنامه نویس هم در مان فیهده زیاد هستند نشریات ما خیلی با سابق فرق کرده است سابق بچوقت در مطبوعات اینقدر مردمان فیهده و وارد نداشتند و اگر لابلای سطور جرایدانگاه کنیدهلاحظه بفرمائید تفاوت خیلی روشن است راجع بشکر بانک بیله بازرگانان یادداشتی برای بنده رسیده میخواهم این گزارش را بغونم برای اینکه این معامله را اگر آقا دقت میفرمودید بنده این را به نفع مملکت کرده ام بعد هم اگر بفرمایند خریدم بایز هم بنگ مملکت بودله باشد استاد آقا هم همان کافلههای ما شین کرده ای بفرماید است که جوابش را هم در روزنامه دادام جناب آقای حائری زاده هیچ کاری در این مملکت معرمانه نینماید آن اشخاصی که خیال میکنند کارهای معرمانه میکنند روز نمیکند متأسفانه کاملاً در اشتباهند حالا اگر مردم این مملکت روی تربیت و ادب و انسانیت حرفی نمیزنند از این گوش بگیرند و از آن گوش در میبکنند نشود گفت که مردم میگویند خوب یک عده ای هستند که بالاخره بغودشان اجازه میدهند که حرفی بززند و یک عده ای هم سکوت میکنند و چیزی نمیکویند کما اینکه بنده مکرر مراجعه کرده اند که چیزی نکوم چون تشنج ایجاد میشود و دلخوری ایجاد میشود و میگویند بهتر این است که مطالب را با مسالت دودستی و آخستی حل کرد بنده هم طرفدار این تر هستم ولی از طرفی هم خیال میکنم که اگر نکوم مردم خیال میکنند آنچه که آقا میفرماید حقیقت است در صورتیکه مناظره است و تیش را هم جا میزیند بعد از این باید یک مکتب تازه ای باز کرد و جوانهای مملکت را تربیت کرد و این مکتب های کهنه را برچید بنده نمیخواهم نسبت با اشخاصی که من تر هستند

نویسند و خوب را هم تشخیص میدهند لازم نیست که شمارا جمع بیند بفرماید مردم اهل تفاوت هم هستند تشخیص هم میدهند اگر برای مردم ایران بفرماید برای ملت ایران باید احترامات زیادی قائل شد مسلماً نویس غرضی که اینجا هستند اعم از روزنامه نویس و غیره روزنامه نویس هم در مان فیهده زیاد هستند نشریات ما خیلی با سابق فرق کرده است سابق بچوقت در مطبوعات اینقدر مردمان فیهده و وارد نداشتند و اگر لابلای سطور جرایدانگاه کنیدهلاحظه بفرمائید تفاوت خیلی روشن است راجع بشکر بانک بیله بازرگانان یادداشتی برای بنده رسیده میخواهم این گزارش را بغونم برای اینکه این معامله را اگر آقا دقت میفرمودید بنده این را به نفع مملکت کرده ام بعد هم اگر بفرمایند خریدم بایز هم بنگ مملکت بودله باشد استاد آقا هم همان کافلههای ما شین کرده ای بفرماید است که جوابش را هم در روزنامه دادام جناب آقای حائری زاده هیچ کاری در این مملکت معرمانه نینماید آن اشخاصی که خیال میکنند کارهای معرمانه میکنند روز نمیکند متأسفانه کاملاً در اشتباهند حالا اگر مردم این مملکت روی تربیت و ادب و انسانیت حرفی نمیزنند از این گوش بگیرند و از آن گوش در میبکنند نشود گفت که مردم میگویند خوب یک عده ای هستند که بالاخره بغودشان اجازه میدهند که حرفی بززند و یک عده ای هم سکوت میکنند و چیزی نمیکویند کما اینکه بنده مکرر مراجعه کرده اند که چیزی نکوم چون تشنج ایجاد میشود و دلخوری ایجاد میشود و میگویند بهتر این است که مطالب را با مسالت دودستی و آخستی حل کرد بنده هم طرفدار این تر هستم ولی از طرفی هم خیال میکنم که اگر نکوم مردم خیال میکنند آنچه که آقا میفرماید حقیقت است در صورتیکه مناظره است و تیش را هم جا میزیند بعد از این باید یک مکتب تازه ای باز کرد و جوانهای مملکت را تربیت کرد و این مکتب های کهنه را برچید بنده نمیخواهم نسبت با اشخاصی که من تر هستند آنها باید راهمانی ما باشند بخصوص در امور سیاسی ما تعلیم بدهند که درسیاست بایستی درست بود صریح بود و راه راست رفت جنابهای که استاد سیاست هستند بنده نمیخواهم زیاد وقت مجلس را بگیرم با این بیانی که جنابهای اینجا فرمودید هیچ آدم منصفی نیست که این فرمایشات جنابهای را بگوید که نفس و توهمی و اهانت نبود آقا میفرماید که بنده کسالت دارم و فلانکس که جوان هست و

انرژی دارد چرا حمله میکند بنده کی حمله کردم جنابهای حمله کردید و هلم من مبارز طلبیدید الان فرمودید که در تاریخ ۱۷ فروردین دولت افتاده بود آقای وزیر خارجه بنده در وزارت خارجه با سفیر انگلیس چه میکردم بنده میخواهم بدانم چطور تمام اشخاص این مملکت خائند و فقط جنابهای خادم هستند ؟

وزیر دارائی - بنده با احترام امر جناب آقای رئیس عرض نمیکنم (احسن) و تقاضا میکنم که جناب آقای حائری زاده مادام که جنابهای در مجلس تشریف دارند و انشاء الله امید دارم که عمر جناب عالی طولانی باشد دوره های دیگر هم در مجلس باشید و عمر بنده کوتاه باشد امیدوارم اگر مطالب اصولی هست با مطالب شخصی مخلوط نکنند و دیگر مجلس را به این قبیل نظریات شخصی میکشند برای اینکه این را مکرر آقایان بنده تذکر فرمودند و بنده هم خیلی متأسفم گاهی هم که زیاد روی میکنم و اوقاتم از مشوم همانطوریکه فرمودید جنابهای همیشه بنده لطف داشتید بنده داشتم کارهای بگوم عقیده مان اگر تغییر کرده است بدون دلیل است و روی احساسات است ولی حالا یک تدری دقت بفرمائید مطالعه بفرمائید نواقص بنده را رافع بفرمائید امیدوارم جنابهای همیشه رهبر ره های جوانها باشید.

۳ - طرح برنامه دولت آقای علاء نخست وزیر

رئیس - برنامه دولت مطرح است یک نفر از آقایان پیشنهاد سکوت داده - ولی پیشنهاد سکوت راجع بلوایح است نه برنامه دولت - برای اینکه دولت بالاخره باید روی اعتماد بگیرد و تکلیف مملکت روشن بشود

عبدالرحمن فرامرزی - رئیس دولت که نسبت چطور برنامه ان مطرح میشود وجه صورتی دارد؟

رئیس - کفیل معرفی کرده است به مجلس جنابهای در مجلس سابقاً در این چیزها را میدانید.

عبدالرحمن فرامرزی - بهرحال این چیز تازه ای است آنهم چیز تازه ای باشد

رئیس - هیچ چیز تازه ای نیست **فرامرزی -** بس ما بکنشلمان رأی می دهیم

رئیس - آقای فئات آبادی بفرمائید **فئات آبادی -** قبل از اینکه وارد مطلب بشوم معطلی را یادآوری بکنم یاد

میآید یک روزی در مجلس در مذاکره ای که بین دو نفر از آقایان نمایندگان مجلس در گرفته بود گویا جناب آقای عبدالرحمن فرامرزی استاد گرامی بودند ایشان فرمودند که هیچ و کبلی از دیگری و کبلی تر نیست این مطلب در خیلی از امورات جریان دارد یعنی در باره خیلی علق و دایستگی ما این موضوع حکومت میکند مثلا وقتی ما همه ادعا میکنیم خدایارستم هیچ کس نمی تواند ادعا بکند که من از دیگری خدا پرست تر هستم مگر با استناد دلیل و برهان که آن عدم تقوی شخص است ما که در اینجا اجتماع کرده ایم و همه ما یک کلام آسمانی سوگند یاد کرده ایم که حافظان قانون اساسی مملکت باشیم (صحیح است) همه آن چیزها بکنه قانون اساسی او را محترم شناخته است بود ما بشویم هیچکدام نمیتوانیم این ادعا را بکنیم که ما از دیگری در این حفاظت و نگاهبانی ریشتر و شجاعت و بر احساسات هستیم مگر آن وقتی که امتحان پیش بیاید که آن که شودیدید که نامردو مرد کیست والا در موقع عادی که آزاد بخواهی مد باشد ما می بینیم که بودند که در گذشته رجال بودند رجس بودند که در وقت آزادی خواهی از مد بیفتند و وزیر بودند و رئیس الوزرا بودند در آن روز همه این رجال فرادی شدند (صحیح است) همه این رجال گذاشتند و در رفتند (عبدالرحمن فرامرزی - تامل گفتند) آستانه توطئه چیان را پسندند همین آقایان که امروز رئیس الوزرا شده آقایان میمانندگان مجلس در دوره میکنند بصورت جلسات مطرح در وقت صحت میکنند و عمل میدهند برای مملکت یک عده ای که خیلی کوفته فکرند که این عاجزتر از ما بودند و فرمان دادند و معنی ندارند مخالفت کردن با فرمان شاه این حرف گفتنش اساساً غلط است اظهار غلط است خیانت است برای ایمنی که بود دولتها با فرمان شاه آمده اند و مجلس و پاری مجلس رفته اند (صحیح است) این مطلب را میبوقت عنوان نکنید چون از روی عدم اطلاع است و ندانسته بقامی که در نزد همه مردم ایران کاملاً معزز و محترم است اهانت میشود و ما حاضر نیستیم که کسی اهانت و نفهیده بقام مطالب اهانت بکند (صحیح است) بعد از این مطلب حالادولتی آمده است بنده میخواهم بگویم بابت ایران و آقایان بگویم در چنین این کشتی نور ستکاری نیست (صحیح است) (عبدالرحمن فرامرزی - آهائیکه با صلوات آمده چه کردند که این دولتی که آمده است دولت خیر گیر نیست چرا ؟ برای اینکه دولت خیر گیر از ریختن پیداست (شخصه نماینده گان) دولتی که در شرف الودرائش هنوز از اعتبارت گرفته مرض اورا کشانیدش بارجاره برای ممالجه من مهرشم فردا وزرایش بکنی یکی این مرض

البته خدای بزرگ خدای نگهبان ایران این عهد معهودی که با کمال رشادت که واثق علی المهرک نینماید استم که چه میشود بخدا قسم است به چوچو پیش بینی نمیکنم در همین اطان مجلس سنایک روز نشینم بگویم مطلب دوطرف دارد یک طرفش این است که علی رقم همه این عدم توجه ما موفق میشویم اما این نهمر وقت در آن موقع نبود در سه ماهه کمتر بود یک طرفش هم اینست که همه ما در راه دین و مملکت و زرم مملکت شهادت مینویسیم این حرف را آنوقت روی اعتقاد گفتیم و معتقد بودیم و با آغوش باز مکرر را استقبال میکردیم و استقبال کردیم برای چه ؟ برای اینکه این این مطلب توی این مملکت باقی بماند که روح فدا کاری و زاخود و بیگونی در راه حفظ ایران و عظمت زرم مملکت یکی از صفات بازر و برجسته و مورد تقدیر بوده باشد و همه ما این صفت را تعقیب کردیم ولی ما اینکار را برای این نکردیم که هر روزی هر ساعت اوضاع مملکت بیکنو وزیر وزیر بشود نه اینکه بنده خیال بکنم این کار را کردیم برای اینکه بالا بس بهر این راهی برای همیشه نفعت وزیر باشد چنین چیزی نیست هیچ فردی هیچ مقامی بدلیل این که در دنیا ابدی نیست مقامش هم ابدی نیست و نمی تواند با شما انسان ثابتی باشد می خست کند و بعد هم اگر نتواند برود و کارها به کار دران بسپارد آن بکنه ای که امروز می توانم رویش صحبت کنم و این مقدمه را بنده برای این امروز گفته که اگر بنده در مخالفت با برنامه این دولت که تر است این صحت میکنم و عمل میدهند برای مملکت یک عده ای که خیلی کوفته فکرند که این عاجزتر از ما بودند و فرمان دادند و معنی ندارند مخالفت کردن با فرمان شاه این حرف گفتنش اساساً غلط است اظهار غلط است خیانت است برای ایمنی که بود دولتها با فرمان شاه آمده اند و مجلس و پاری مجلس رفته اند (صحیح است) این مطلب را میبوقت عنوان نکنید چون از روی عدم اطلاع است و ندانسته بقامی که در نزد همه مردم ایران کاملاً معزز و محترم است اهانت میشود و ما حاضر نیستیم که کسی اهانت و نفهیده بقام مطالب اهانت بکند (صحیح است) بعد از این مطلب حالادولتی آمده است بنده میخواهم بگویم بابت ایران و آقایان بگویم در چنین این کشتی نور ستکاری نیست (صحیح است) (عبدالرحمن فرامرزی - آهائیکه با صلوات آمده چه کردند که این دولتی که آمده است دولت خیر گیر نیست چرا ؟ برای اینکه دولت خیر گیر از ریختن پیداست (شخصه نماینده گان) دولتی که در شرف الودرائش هنوز از اعتبارت گرفته مرض اورا کشانیدش بارجاره برای ممالجه من مهرشم فردا وزرایش بکنی یکی این مرض

وضع عمومی مردم و طبقات زحمتکش را بچوید به تفهیم درست کنیم کار برای بیکار ها پیدا کنیم فرهنگ را بسط و توسعه بدهیم بهداشت را تأمین کنیم و این قبیل کارها ویرای فرام آورده این نظر و سیاستهاست اول اشخاص ناصالح و فاسد را از ادارات بریزیم دور این حرف ها خیلی صحیح است بسیار خوب است و بسیار زیبا است و واقعاً اگر بخواهند برای این مملکت کار درست بشود به باشوشی جدی دزوها ناصالح ها رشوه بدهند آنهاست سبک خون مردم را خود کرده اند و در شیشه کرده اند آنها را باید بنیست جرمی که مرتکب شده اند از ادارات بیرون ریخت و بعضی ها را در حبس کرد و بعضی ها را بدار زد خوشی برادر هم نیست (صحیح است) ولی خودتان هم میدانید که نبشود کرد (نقطلی - بنده متعقدم که میشود کرد) (حشمتی - سبک بزرگ علامت است است) شما اعتقادتان خیلی زیاد درست نیست (نقطلی - نسبت بشما درست است) زیرا نسبت بشما هم گاهی تفریق قلمه میدهد توجه فرمودید خیلی کاری همین است اما دولت نمیتواند این کار را بکند چیست دو جهت دارد من اولاً در هیچ اداره ای در هیچ مؤسسه ای در هیچ وزارتخانه ای هم و خوش ندارم الحمدالله علت اینکه من میگویم نمیتواند اینکار را بکنند اینست که حالا شروع کرده اند بتحول البته مردم همانطور که آقای دکتر امینی فرمودند یک خرد خیلی خوب منتهی نمودن خیلی خوب هم تفاوت میکنند ما این را میدانیم یک مطلبی را من میگویم قبول دارید که من بیشتر از شما با مردم هستم (وزیر دارائی - اینطور نیست قبول ندارم) قبول ندارید آنهم فضاوتش را مردم میکنند وقتی مردمی گویند تفریق نمیکند که نجس است بنده عرض میکنم که این آقا نمی تواند کاری بکند همانطور که دولت در برنامه اش گفته است برنامه من بالا بردن سطح زندگی مردم که ملازم با پایین آوردن سطح قیمت ها است تا واحد این ثبیل قیمتها است این آقا نمی تواند این کار را بکند چون پاک بودن با محکم بودن یا قرص بودن دوتا است (اعظم زنکنه - مرد بسیار محکمی هم نیست) من میخواستم یک معطلی اینجا عرض کنم و حالا فرصت بدست آوردم عرض میکنم صحبت که می شود می گویند فلان آدم مرد شریفی است آن روز اینجا فاسد را از ادارات بیرون بریزیم یک عده ای از آقایان نمایندگان کف میزدند البته این کف زدن خوب است ولی و کبلی باید کف بزند باز نماند کاری ندارد بوحثی در آن موقع دوست عزیز و گرامی ما جناب آقای مسعودی چنان تحت تأثیر احساسات قرار گرفتند که از این بالا شامی دادند که گاهی وقت ما مامان کلمات و شمار ها

وضع عمومی مردم و طبقات زحمتکش را بچوید به تفهیم درست کنیم کار برای بیکار ها پیدا کنیم فرهنگ را بسط و توسعه بدهیم بهداشت را تأمین کنیم و این قبیل کارها ویرای فرام آورده این نظر و سیاستهاست اول اشخاص ناصالح و فاسد را از ادارات بریزیم دور این حرف ها خیلی صحیح است بسیار خوب است و بسیار زیبا است و واقعاً اگر بخواهند برای این مملکت کار درست بشود به باشوشی جدی دزوها ناصالح ها رشوه بدهند آنهاست سبک خون مردم را خود کرده اند و در شیشه کرده اند آنها را باید بنیست جرمی که مرتکب شده اند از ادارات بیرون ریخت و بعضی ها را در حبس کرد و بعضی ها را بدار زد خوشی برادر هم نیست (صحیح است) ولی خودتان هم میدانید که نبشود کرد (نقطلی - بنده متعقدم که میشود کرد) (حشمتی - سبک بزرگ علامت است است) شما اعتقادتان خیلی زیاد درست نیست (نقطلی - نسبت بشما درست است) زیرا نسبت بشما هم گاهی تفریق قلمه میدهد توجه فرمودید خیلی کاری همین است اما دولت نمیتواند این کار را بکند چیست دو جهت دارد من اولاً در هیچ اداره ای در هیچ مؤسسه ای در هیچ وزارتخانه ای هم و خوش ندارم الحمدالله علت اینکه من میگویم نمیتواند اینکار را بکنند اینست که حالا شروع کرده اند بتحول البته مردم همانطور که آقای دکتر امینی فرمودند یک خرد خیلی خوب منتهی نمودن خیلی خوب هم تفاوت میکنند ما این را میدانیم یک مطلبی را من میگویم قبول دارید که من بیشتر از شما با مردم هستم (وزیر دارائی - اینطور نیست قبول ندارم) قبول ندارید آنهم فضاوتش را مردم میکنند وقتی مردمی گویند تفریق نمیکند که نجس است بنده عرض میکنم که این آقا نمی تواند کاری بکند همانطور که دولت در برنامه اش گفته است برنامه من بالا بردن سطح زندگی مردم که ملازم با پایین آوردن سطح قیمت ها است تا واحد این ثبیل قیمتها است این آقا نمی تواند این کار را بکند چون پاک بودن با محکم بودن یا قرص بودن دوتا است (اعظم زنکنه - مرد بسیار محکمی هم نیست) من میخواستم یک معطلی اینجا عرض کنم و حالا فرصت بدست آوردم عرض میکنم صحبت که می شود می گویند فلان آدم مرد شریفی است آن روز اینجا فاسد را از ادارات بیرون بریزیم یک عده ای از آقایان نمایندگان کف میزدند البته این کف زدن خوب است ولی و کبلی باید کف بزند باز نماند کاری ندارد بوحثی در آن موقع دوست عزیز و گرامی ما جناب آقای مسعودی چنان تحت تأثیر احساسات قرار گرفتند که از این بالا شامی دادند که گاهی وقت ما مامان کلمات و شمار ها

وضع عمومی مردم و طبقات زحمتکش را بچوید به تفهیم درست کنیم کار برای بیکار ها پیدا کنیم فرهنگ را بسط و توسعه بدهیم بهداشت را تأمین کنیم و این قبیل کارها ویرای فرام آورده این نظر و سیاستهاست اول اشخاص ناصالح و فاسد را از ادارات بریزیم دور این حرف ها خیلی صحیح است بسیار خوب است و بسیار زیبا است و واقعاً اگر بخواهند برای این مملکت کار درست بشود به باشوشی جدی دزوها ناصالح ها رشوه بدهند آنهاست سبک خون مردم را خود کرده اند و در شیشه کرده اند آنها را باید بنیست جرمی که مرتکب شده اند از ادارات بیرون ریخت و بعضی ها را در حبس کرد و بعضی ها را بدار زد خوشی برادر هم نیست (صحیح است) ولی خودتان هم میدانید که نبشود کرد (نقطلی - بنده متعقدم که میشود کرد) (حشمتی - سبک بزرگ علامت است است) شما اعتقادتان خیلی زیاد درست نیست (نقطلی - نسبت بشما درست است) زیرا نسبت بشما هم گاهی تفریق قلمه میدهد توجه فرمودید خیلی کاری همین است اما دولت نمیتواند این کار را بکند چیست دو جهت دارد من اولاً در هیچ اداره ای در هیچ مؤسسه ای در هیچ وزارتخانه ای هم و خوش ندارم الحمدالله علت اینکه من میگویم نمیتواند اینکار را بکنند اینست که حالا شروع کرده اند بتحول البته مردم همانطور که آقای دکتر امینی فرمودند یک خرد خیلی خوب منتهی نمودن خیلی خوب هم تفاوت میکنند ما این را میدانیم یک مطلبی را من میگویم قبول دارید که من بیشتر از شما با مردم هستم (وزیر دارائی - اینطور نیست قبول ندارم) قبول ندارید آنهم فضاوتش را مردم میکنند وقتی مردمی گویند تفریق نمیکند که نجس است بنده عرض میکنم که این آقا نمی تواند کاری بکند همانطور که دولت در برنامه اش گفته است برنامه من بالا بردن سطح زندگی مردم که ملازم با پایین آوردن سطح قیمت ها است تا واحد این ثبیل قیمتها است این آقا نمی تواند این کار را بکند چون پاک بودن با محکم بودن یا قرص بودن دوتا است (اعظم زنکنه - مرد بسیار محکمی هم نیست) من میخواستم یک معطلی اینجا عرض کنم و حالا فرصت بدست آوردم عرض میکنم صحبت که می شود می گویند فلان آدم مرد شریفی است آن روز اینجا فاسد را از ادارات بیرون بریزیم یک عده ای از آقایان نمایندگان کف میزدند البته این کف زدن خوب است ولی و کبلی باید کف بزند باز نماند کاری ندارد بوحثی در آن موقع دوست عزیز و گرامی ما جناب آقای مسعودی چنان تحت تأثیر احساسات قرار گرفتند که از این بالا شامی دادند که گاهی وقت ما مامان کلمات و شمار ها

فانشر و معیتونه بایسته با نمی تواند بایستد و باغیان رئیس الوزراه که زمام امور مملکت در دست او است در موقتی که فشارهای متعدد و کورانهای متعدد سیاسی بوجود می آید و یک هیئت سیاسی یک مملکتی او را در فشار قرار میدهد این آقای رئیس الوزراه این آقای نخست وزیر قدرت استقامت در مقابل این فشارها و این کورانهای متعدد دارد و ایندارد اختلاف عقیده از اینجا پیدا میشود ، بنده معتقدم که جناب آقای علاء انظور نیست چنین مردی نیست برای اینکه من خودم در زندگی سیاسی یک روزی دیده ام اینجا نوشته کرده بودند علماً و رسماً میخواستند شاه را از مملکت بیرون کنند، میخواستند شاه از مملکت برود و بعد هر بلای که ایشان میخواستند سر این مملکت در بیاروند و کلا یک عده ای مردم کاسب بازاری و ارتشی و غیر ارتشی قیام کرده بودند و می گفتند که شاه نباید بیرون میفتند شامهال مردم است یا ما فرد است؟ اگر مال مردم است که مردم میگویند نباید بیرون رئیس مجلس آیتالله کاشانی نامه ای نوشته بودند با استحضار نمایندگان مجلس و هیئت رئیسه آنوقت مجلس رفته بودند از شاه استعفا کنند که اعلیحضرت مقرر میفرماید به مسافرت بروند این مسافرت در این موقع بصحبت مملکت نیست و شما باید بمابند برای مملکت فداکاری کنید و این جناب بزرگوار نمیگذاشتند که نمایندگان بیرونند و یا شاه تماش بگیرند (فراموشی میگفت شاه همیشه سفر میروند) مطلب خیلی زیاد است اعلیحضرت همیشه سفر میروند این سفر ساده است ، میروند خیلی عادی است ، خیلی ساده است و حال آنکه هر کس کوچکترین اطلاعی از اوضاع روز داشت میدانست که اگر شاه بیرون استقامت و همه چیز مملکت بر باد رفته بود یا این مطالب من و میرتسم ، من از ضعف آقای علاء میرتسم ، بکنفران نمایندگان ترس هم دارد) برای چه؟ برای رژیم مملکت و رژیم رژیم سلطنتی مملکت برای حدود و ثنور مملکت مبتنم و میگویم این مره نمی تواند و نبایستی بر منتهی نخست وزیری بنشیند و من تعجب میکنم که این آقای علاء که قبل از ۲۵ مرداد وقتی شنیدم که ایشان گفته بودند بیاید و نخست وزیر بشود داشت زهره سرتک میشد (خنده نمایندگان) حالا بطور آمده است نخست وزیر شده (صفائی) انشاءالله فلانجین نقشه ای (نباشد) اگر نقشه ای هم باشد کسی نمرده خوشبختانه آقای صفائی مملکت و کشور اسلامی ایران همیشه یک عده ای را داشته و بوده اند که در مواقع حساس وسعت برای جان خودشان ارزش قابل نشوند و این مملکت باقی مانده اما آن اشخاص غیر از این بزرگوار است این را بدانید من علت اینکه با این

دولت مخالف نماینده من با یک یک این آقایان وزرا مخالفم خیلی از آقایان وزرا هستند که من واقفا بهشان ارادت دارم و شریف هستند خواهش میکنم که برایش من توجه بفرمایند بفلان آقایان شامهال عادلشان را میباشم ارادت داشتن که دیگر صحبت شوخی نیست همینطور کثراهی نشود گفت من مرید فلانی هستم معتقدم بهش، بنده بعضی از آقایان را نمیباشم اسشان هم تازه بگویم خورده است لذا من اسانه ای بفرم فرد آقایان نمیکنم ولی چرا مخالفم ؟ برای خاطر این دولتی که تشکیل شده است باین برنامه نابالغ و زود وقت در کابینه ای رئیس الوزراه مثل جناب آقای علاء شاید یک کدام از این آقایان رئیس الوزراه بودند من عرض اینکه حالا جزء مخالفین این دولت باشم جزء موافقین قرار می گیرمم و رأی موافق هم میدادم اما وقتی که پایبه محاکم نباشد ، وریشه لای باشد ، وقتی در کابینه ای رئیس الوزراه آن که بنزله آن میل وسط و معجز آن کابینه میباشد ، آن میل و محور لای و متزلزل باشد، ضعیف باشد ، بدبختانه و متضامنه مریض هم باشد، این استعدادهای ماشاءالله هزار ماشاءالله هر چه بخواهند عملی از خودشان انظور که باید و شاید بروز بدهند خودشان با استمداد ذاتیشان باشند نتیجه ندارد و اما راجع سیاست خارجی دولت گذشته وقتی مجلس آمد البته یک مطلبی اینجا لازم است که گفته بشود و آن حقیقت این است که ما در داخل این مدتی که در سیاست بودیم این مطلب را درک کردیم که یک عده ای از افراد هستند متمرکز میکنند برای این که زور نشوند و دولتی که مثلا میلیون جمعیت است ۳ میلیون جمعیت است ، ممکن نیست یک دولتی ۳۰۰۰۰۰۰ میلیون جمعیت دارد زور بگوید و تجاوز بکند من یادم میآید یک وقتی دولت شوروی، حالا موضوع چه بود یادم نیست ادعا کرده بود که دولت ایران دارد امنیت مارا بخطر میاندازد البته خودش هم میدانست شوخی میکند دنیا هم میدانست برای اینکه ایران ممکن نیست امنیت شوروی را بخطر بیندازد کما اینکه یک بره ای که در صلح و صفا زندگی میکند امنیت یک گرگی را بخطر بیندازد و ممکن نیست اما بره باید وسایلی فراهم کند که خودش امنیتش حفظ بشود و مورد تجاوز از نگیرد کشور عزیز ایران مجلس است مسئول باشد، بخواهند همگی دسته جمعی مسئولیت را متوجه مقاماتی بکنند که بایمیرای از همه چیز باشد و هست و بهمین جهت فوق العاده قابل احترام است و این روشی که آقایان در پیش گرفته اند بسیار روش خبیث آمیز است و جریانی است که مازیر بارش نمیرسیم مازیر بار این

مطلب نمیرسیم همه مسئولیت شامهالید در مقابل مجلس ، و مجلس مسئول است در مقابل مملکت و ما هم که باید در مقابل داخلی و خارجی سینه هام سپر بلا شود و ما هم که باید استادگی کنیم برای این که بشکست اگر دل من بفرمای چشم مست سرخ می سلامت شکند اگر سبوی اگر دولتی رفت ، مجلسی رفت باید اساس مملکت حفظ بشود بنابراین همه سیاست ها همه مطالب باید متوجه مجلس ودولت باشد آنها همی که میخواستند خالی کنند از زیر بار مسئولیت و بنده اند بگردن مقامات دیگر اینها نگاه دارند و خائن بملکت بعد از این مقدمات آقای دولت گفته است سیاست خارجی من همان سیاست خارجی دولت گذشته است و دوستی مقابله و حسن روابط با دول همجوار و غیر همجوار و تجدید رابطه و از این حرف ها و حالا این حرف ها وقتی در کابینه ای رئیس الوزراه آن که ممکن است و چندش نیست اینها مطالبی است که از بحث امروز ما خارج است دنیا انظور بوده هر دولتی که زورش بیشتر بوده هر چه خواسته کرده و دولت ها و ملت ها هستند که باید متشکل باشند حواسشان جمع باشد نگذارند دولت های قوی بآنها زور بگویند آخر وضع دنیای امروز انظور شده است یک عده ای زور میکنند یک عده ای هم استعدادین را دارند که زور بشوند ولی آنها همی که با استمداد و باهوشند آنها تمام هم و قدرت خودشان را روی هم میکنند و متمرکز میکنند برای این که زور نشوند و دولتی که مثلا میلیون جمعیت است ۳ میلیون جمعیت است ، ممکن نیست یک دولتی ۳۰۰۰۰۰۰ میلیون جمعیت دارد زور بگوید و تجاوز بکند من یادم میآید یک وقتی دولت شوروی، حالا موضوع چه بود یادم نیست ادعا کرده بود که دولت ایران دارد امنیت مارا بخطر میاندازد البته خودش هم میدانست شوخی میکند دنیا هم میدانست برای اینکه ایران ممکن نیست امنیت شوروی را بخطر بیندازد کما اینکه یک بره ای که در صلح و صفا زندگی میکند امنیت یک گرگی را بخطر بیندازد و ممکن نیست اما بره باید وسایلی فراهم کند که خودش امنیتش حفظ بشود و مورد تجاوز از نگیرد کشور عزیز ایران مجلس است مسئول باشد، بخواهند همگی دسته جمعی مسئولیت را متوجه مقاماتی بکنند که بایمیرای از همه چیز باشد و بهمین جهت فوق العاده قابل احترام است و این روشی که آقایان در پیش گرفته اند بسیار روش خبیث آمیز است و جریانی است که مازیر بارش نمیرسیم مازیر بار این

که بیش گرفته اند یک عده ای هم مدافعند و این روش را دارند دنبال میکنند کاری از آن ساخته نیست پردها دوا نخواهد شد من این مطلب را میگویم و در صورت مذاکرات مجلس باقی میماند که در آینده نزدیک خواهد دید که نه سطح زندگی را آقایان میتوانند ترقی بدهند و نه اینکه خرج زندگی را کم کنند نه نان و گوشت و سایر احتیاجات مردم را تأمین نمایند بنده خیلی عرض میکنم در این مسافرت آخری که بخارج رفته بودم در است و این کارها را کرده اند و من که دولت هستم سیاست این است و این کارها خواهم کرد در مجلس مطرح کند روشن کند و کلا سایر مردم رویش بحث کند و تکلیف مملکت را معین و مشخص گسزداند ، خوب حالا فکر می کنیم وضعیت امروز مملکت ما انظور است و فردا یک جور دیگر با آنها صحبت می کنیم یک جور دیگر مذاکره میکنیم ببلوک غرب میگویم ببلوک شرق جور دیگری میگویم این کار صحیح نیست آقایان نمایندگان محترم من همیشه عقیده سیاسی خودم را با کمال صراحت ابراز داشته ام و اظهار داشته ام السامه هم میگویم باین وضع عجیبی که دنیا پیدا کرده است باین وضع درهم و برهمی و یا غیر درهم و برهم و منطقی که در دنیا پیدا شده بایستی آن دولتی مصدر کار باشد و آن دولتی زمام مملکت را در اختیار بگیرد که از نظر سیاست خارجی مملکت تکلیف را روشن بکند صریح و صاف و پوست کنده بگوید که ما میتوانیم با چه شرایطی در دنیا زندگی کنیم و الا باروش باری بهتر است که مملکت درست نشود باید رفت عقب کار باید رفت عقب فکر باید رفت عقب آن فکری که مصلحت صحیح و واقعی مآرد آنست البته قبل از این که برنامه دولت مطرح شود آن مقداری که بایستی ملاحظه و صحبت بشود مجلس معطل شده و من بیاناتی که میخواستم بکنم چون این آقایان وزرای محترم که اینجا حضور دارند همه میگویند چه آنها همی که از قدیم بوده اند یا آنها همی که تازه عضو دولت شده اند تازه آمده اند و هنوز کاری نکرده اند میگویند از چه عمل ما میخواستند صحبت و انتقاد بکنند شاید این حرف تانند از های صحیح باشد ولی بطور کلی صحیح نیست چون همه آقایان همیشه وزیر بوده اند (فراموشی) همه این آقایان دولت بوده اند و وزیر بوده اند در اکثر کابینه ها و همچوقت هم یک کاری صورت نداده اند معذک که من امروز بیش از این که گفتم نمیگویم دره اینها معتقدم در جبین این کشتی نور رستگاری نیست و این دولت باین وضعی که تشکیل شده عرض کردم دسته غیر از افراد است خودمان را حفظ کنیم وحد اکثر استفاده را ببریم این مطلب یک سیاست خارجی

که آنجا بود از نظر طبقات این بود آن آقای که متشکل بود ماشین آخرین سیستم داشت و سوار میشد و آن شخصی که کارگر فقیر بود او هم میتوانست با دادن ۶ قران ماشین آخرین سیستم منتهی کرایه ای سوار بشود ، بالا بردن سطح زندگی یعنی این مردم مملکت لافل گوشت گیرشان بیاید بخورند نان پیدا کنند بخورند حالا ما کار نداریم باینکه وضع آب تهران بچه جور است این هم علت اینستکه در تمام این مدت آن کسانی که خواسته اند تهران را اداره کنند بکی بداز دیگری تالابن بودند و اساساً یک مطلبی را خدمتتان عرض کنم شهر داری تهران در همه کارها دخالت داشته چیز بکارهای مربوط بشهر تهران در دست بندهها شرکت داشته این آقای دکتر نصر یک موقعی شهر دار تهران بودند میدانند این مطلب را که در فرزندم در همه کارشکت میکردند (دکتر نصر- در زمان بنده نبود) عرض در همه کار دخالت میکردند غیر از امورات مربوط بشهر تهران ملاحظه کنید امروز اسفالت میکنند و فردا چون همه اش سنبلی میشود اسفالتها را بر میدارند فضاها امروز گوشت را کران میکنند و مردم بیچاره هم مجبورند میخرند و آن مقرراتی که فضاها وضع میکنند برای فروش گوشت آن مقررات را قبول میکنند میدانند چرا ؟ برای اینکه این فضاها می بیچاره زحمت کشیده اند رفته اند کدخدرا دیده اند بازم ده را میچایند و این مطلب اولیه من امیدوار که نیستم هیچ (کفیل نخست وزیر - انشاءالله خلافت نایت میشود که جناب عالی هم راضی شوید) باین وضع من قطع دارم که در جبین این کشتی نور رستگاری نیست از نظر سیاست خارجه و تعیین تکلیف ما هم بنده در این بیکره مقدس چندین چیزی می بینم که این مطلب را روشن کنند و تکلیف مملکت مامولت مارا روشن نمایند امیدوارم جناب آقای انتظام که بشما هم ارادت دارم بتوانید وضع زندگی مردم را خوب کنید ، امیدوارم که بتوانید سطح زندگی مردم را بالا ببرید سطح قیمتها را یابن بیایورید این بدبختی و این گرفتاری را از بین این مردم بر دارید تکلیف ما

۴- تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه
رئیس - یک پیشنهاد تنفس رسیده است ولی ۳ دقیقه بیشتر باخروقت باقی نمانده است (عبدالصاحب صفائی - ۲۰ دقیقه بجای نمیبرد) دیگر تنفس ضرورت ندارد (صفائی - جلسه را ختم بفرمایید) آقای صامی مطالب شما مفصل است ؟ (صامی - بلی) بسیار خوب ، پس جلسه را ختم میکنم
جلسه آینده روز پنجشنبه خواهد بود ساعت ۹ صبح آقایان سر وقت تشریف بیاورید دستور هم برنامه دولت (مجلس ده دقیقه بعد از ظهر ختم شد) رئیس مجلس شورای ملی - رضاحکمت